

روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشنی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پُربعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی

دکتر جعفر ترک‌زاده*

چکیده

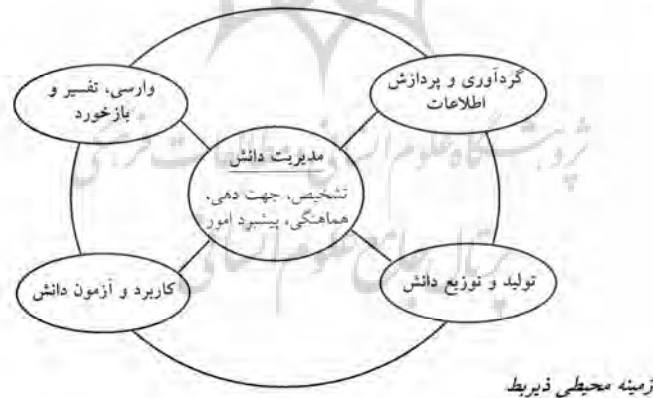
در این مقاله ابتدا، بحث مختصری درباره توسعه دانش مدیریت اسلامی و شرایط فنی و زمینه‌ای آن ارائه و این نتیجه حاصل شده است که در موقعیت کنونی، اکتشاف، استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مرتبط، و استنتاج و استحصال دانش از آنها، مستلزم کاربرد الگوها و روش‌های کیفی خاصی است. در این باره، فرایند چرخه‌ای تحلیل سارانتاکوس (۱۹۹۸)، به عنوان یک روش تحلیل کیفی و مشتمل بر سه مرحله تقلیل داده‌ها، سازماندهی و تفسیر، به طور مختصر معرفی شده است. در ادامه، نگارنده با عنایت به توانایی‌های ویژه این روش و نیز با نظر به مقتضیات زمینه‌ای توسعه دانش مدیریت اسلامی و بر اساس تجربه‌های خود در کاربرد روش یادشده در پنج پژوهش، آن را به عنوان یک روش پژوهش کیفی که می‌تواند در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی مفید باشد، به طور مستدل توسعه داده است. این روش که مشتمل بر چهار مرحله گردآوری اطلاعات، تقلیل احیاگرانه داده‌ها، سازماندهی و تحلیل اطلاعات، تفسیر و نتیجه‌گیری است، به طور کاربردی شرح و بسط داده شده است. در پایان نیز، یک نمونه پژوهش انجام‌شده با استفاده از این روش، مختصراً توصیف شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت اسلامی، مدیریت دانش، تحقیق کیفی، روش فرایند چرخه‌ای تحلیل

مقدمه

توسعه و استقرار مدیریت اسلامی، در کشور، مستلزم شکل‌گیری و فعالیت منسجم یک نظام رفتاری اثربخش مبتنی بر یک الگوی سیستمی است. در این باره لازم است ابعاد سه‌گانه مفهومی، ساختاری و عملکردی مناسبی، در تعامل با همدیگر، در موضوع مدیریت اسلامی توسعه یابند. به نظر می‌رسد در این میان، توسعه بعد مفهومی مدیریت اسلامی، با توجه به ماهیت شناختی آن می‌تواند مبنای توسعه ابعاد دیگر قرار گیرد؛ به ویژه که هم‌اکنون، از یک سو، پیکره دانش مدیریت اسلامی توسعه و استحکام چندانی نیافته است و از سوی دیگر، مدیریت اسلامی، در جریان توسعه و استقرار خود، ناچار از رقابت با الگوهای رایج (نوعاً غربی) مدیریت نیز است.

توسعه دانش مدیریت اسلامی از رویکردی کارکردی، به گردآوری، گزینش، تکمیل، پالایش و پردازش اطلاعات؛ تولید و توزیع دانش؛ کاربرد و آزمون دانش در عمل؛ واری و تفسیر نتایج و اطلاعات حاصل و بازخورد، به صورت یک چرخه مستمر در زمینه محیطی مربوط نیاز دارد. بدیهی است که مدیریت دانش، در مرکز این چرخه قرار می‌گیرد و نقش‌های تشخیص، جهت‌دهی، هماهنگی و پیشبرد امور را ایفا می‌کند.



شکل ۱ - الگوی کارکردی توسعه دانش

از منظر فنی، تبدیل داده به اطلاعات و سپس به دانش، محور اصلی مدیریت دانش است. گردآوری داده‌ها تحت تأثیر ارزش‌های سیستم زمینه‌ای آن^۱ و واحد عمل‌کننده در این خصوص است. داده‌ها از طریق فناوری اطلاعات پردازش می‌شوند و از طریق برخی فرایندهای تعامل انسانی به عنوان اطلاعات معنا می‌یابند. سپس اطلاعات حاصل در ترکیب با موقعیت و ویژگی‌های محیط زمینه‌ای مربوط و آگاهی‌هایی که در آن باره وجود دارند، سازماندهی، سنتز و یکپارچه می‌شوند. در این جهت، از تجمیع و ترکیب اطلاعات، معنا دادن به اطلاعات در زمینه محیطی (وضعیت) که در آن شکل گرفته‌اند و زمینه‌ای که اطلاعات در آن استفاده می‌شوند، و نیز تفکر و تأمل استفاده می‌شود. در نتیجه این فرایند، داده به دانشی مرتبط تبدیل می‌شود؛ با وجود این، کاربرد آن هنوز مستلزم درک روشن، معنادار و تبیینی آن از موضوع و موقعیت‌های عملی است (جعفری مقدم، ۱۳۸۵؛ برگرون، ۲۰۰۳).

چالش مهمی که در این میان وجود دارد، آن است که تولید و توسعه مرزهای دانش در زمینه مدیریت اسلامی، با توجه به نوپایی آن (در وضع کنونی) و به ویژه اینکه داده‌ها و اطلاعات موجود در آن زمینه عمدتاً کیفی، پُر بُعد^۲ و پُر برابند^۳ هستند، بیشتر صبغه‌ای کیفی می‌یابد تا کمی. این نکته با اندکی تأمل، در منابع اطلاعاتی دانش مدیریت اسلامی روشن می‌شود. داده‌ها و اطلاعات پایه برای توسعه دانش مدیریت اسلامی عمدتاً، در منابع زیر نهفته‌اند:

- باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اصیل دینی (چارچوب اعتقادی اسلام)؛
 - قرآن کریم؛
 - سیره نبی مکرم اسلام، ائمه معصومین و انبیاء سلف (علیهم السلام)؛
 - نهج البلاغه، احادیث و روایات؛
 - رویدادهای تاریخی اسلام، از آغاز تا عصر حاضر؛
 - دیدگاه‌ها و عملکرد رهبران، مدیران و فرماندهان برجسته اسلامی معاصر.
- ملاحظه می‌شود که منابع یادشده و اطلاعات نهفته در آنها، ماهیتاً کیفی، پُر بُعد و

۱. در اینجا، دین مبین اسلام، مذهب و نظام مدیریتی آن.

۲. sequential

۳. دارای قابلیت تفسیر و تعبیرپذیری و استنتاجات مختلف موقعیتی از دیدگاه‌های مختلف.

پُربرایند هستند. قاعدتاً و به طریق اولی، اکتشاف، استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مرتبط، و استنتاج و استحصال دانش از آنها نیز مستلزم کاربست الگوها و روش‌های کیفی‌ای است که بتوانند پاسخگوی پراکندگی منابع و اطلاعات موجود باشند، قدرت اکتشاف، استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات صریح و ضمنی را داشته باشند؛ توان استنتاج و یکپارچه‌سازی مستمر دانش را داشته و در عین حال ساده و مدیریت‌پذیر باشند؛ به نظر می‌رسد روش «فرایند چرخه‌ای تحلیل»^۱ چنین ویژگی‌هایی دارد و از این حیث پژوهشگران می‌توانند در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی، به نحو مفیدی از آن استفاده کنند.

روش فرایند چرخه‌ای تحلیل

فرایند چرخه‌ای تحلیل را سارانتاکوس^۲ (۱۹۹۸) به عنوان یک روش تحلیل کیفی، در کتاب پژوهش اجتماعی خود، به طور مختصر مطرح کرده است. این روش در چرخه‌ای مشتمل بر سه مرحله تقلیل داده‌ها^۳، سازماندهی^۴ و تفسیر^۵، امکان تحلیل داده‌های کیفی پراکنده و پربعد را فراهم می‌کند (همان، ص ۳۱۵-۳۱۶). روش یادشده ساده و عملی است و در عین حال، برای تحلیل مفاهیم و موقعیت‌های غنی و پربعد، و اکتشاف، استخراج و استنتاج معانی بدیع از آنها توانایی بسیاری دارد. و چنانچه این روش قدری توسعه داده شود، می‌تواند به عنوان یک روش پژوهش کیفی، راهنمای انجام پژوهش‌های کیفی در حوزه مدیریت اسلامی یا دیگر حوزه‌های مشابه باشد و به تولید و توسعه دانش منجر شود. برای این منظور، نگارنده بر اساس تجربه‌های خود در کاربست این روش در پنج پژوهش و نیز، با نظر به مقتضیات زمینه‌ای تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی، روش پیش‌گفته را به شرح ذیل توسعه داده است.

اول، با توجه به پراکندگی و تنوع و بعضاً، پنهان بودن منابع اطلاعاتی دانش مدیریت اسلامی، از یک سو و تکثر، چندلایگی، غنای مفهومی، پیچیدگی روابط درونی و

۱. the cyclical process of analysis

۲. Sarantakos

۳. data reduction

۴. data organisation

۵. interpretation

بیرونی و تفسیرپذیری مفاهیم و وقایع و در یک کلمه، پربعد و پُربرآیند بودن داده‌ها و اطلاعات پایه موجود در منابع اطلاعاتی از سوی دیگر، لازم است شیوه گردآوری اطلاعات مد نظر قرار گیرد. در واقع، نخستین گام تحلیل و استنتاج کیفی، در خلال فرایند گردآوری داده‌ها و اطلاعات شکل می‌گیرد (همان، ص ۳۱۵). مرحله «گردآوری اطلاعات»^۱ به عنوان اولین مرحله، به روش پیشنهادی سارانتاکوس افزوده شده است. دوم، نظر به ماهیت کیفی، پربعد و موقعیتی بودن داده‌ها و اطلاعات موجود در منابع اطلاعاتی مدیریت اسلامی، اطلاعاتی که گردآوری می‌شوند، در بسیاری مواقع، به معنای دقیق، «داده»^۲ نیستند، بلکه اطلاعات^۳ محسوب می‌شوند. داده‌ها کمیت‌های عددی یا نشان‌های منفردی هستند که از مشاهده، تجربه یا محاسبه به دست می‌آیند؛ اما اطلاعات مفهوم و ماهیتی غنی‌تر دارد. اطلاعات یک یا مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط‌شده به همدیگر در زمینه^۴ مربوطی هستند که امکان توضیح، تفسیر یا ملاحظات دیگری را درباره موضوع فراهم می‌کنند (برگرون، ۲۰۰۳، ص ۱۰). با نظر به این نکته، تقلیل داده‌ها نباید به فروپاشی اطلاعات گردآوری‌شده، فروگذاشته شدن مفاهیم و جوانب مرتبط با آن منجر شود، بلکه بر عکس، باید به حفظ و حتی اکتشاف و استخراج آنها به عنوان یک داده مستقل و در عین حال مرتبط بینجامد تا مبنای غنی‌تری برای تحلیل و تفسیر و در نهایت تولید دانش مدیریت اسلامی فراهم شود. بر این اساس، مرحله دوم باید به عنوان «تقلیل احیاگرانه داده‌ها»^۵ مد نظر قرار گیرد و عملی شود.

سوم، فرایند استنتاج در پژوهش‌های کیفی، به طور کلی و در این روش، به طور خاص، یک فرایند تدریجی و تکاملی است. همچنان که در شرح روش فرایند چرخه‌ای تحلیل ملاحظه خواهد شد، فرایند استنتاج عملاً، از مرحله تقلیل احیاگرانه داده‌ها آغاز و در مرحله سازماندهی و تحلیل به صورت سازمان‌یافته ارائه، و در مرحله تفسیر تکمیل می‌شود. مسلم است که «تحلیل» از مبانی ضروری یک استنتاج علمی است. در واقع، فرایند تحلیل و خروجی آن، زمینه سازماندهی و استنتاج بهتر را فراهم کرده،

۱. data gathering

۲. data

۳. information

۴. context

۵. revival data reduction

سازماندهی نیز متقابلاً، مبنای تحلیل را فراهم می‌سازد، و از این جهت، این سه مفهوم (سازماندهی، تحلیل و استنتاج) عملاً رابطه نزدیکی دارند. بنابراین، با توجه به رابطه متقابل و فزاینده سازماندهی ← تحلیل و نقش مهم این رابطه در تسهیل و تقویت کارکرد استنتاج، و نیز، برای کارآمدتر کردن مرحله سوم و به طور کلی، روش فرایند چرخه‌ای تحلیل در زمینه استنتاج لازم است مفهوم و کارکرد تحلیل نیز، به آن مرحله افزوده شود؛ از این رو، مرحله سوم «سازماندهی و تحلیل اطلاعات»^۱ نامیده می‌شود.

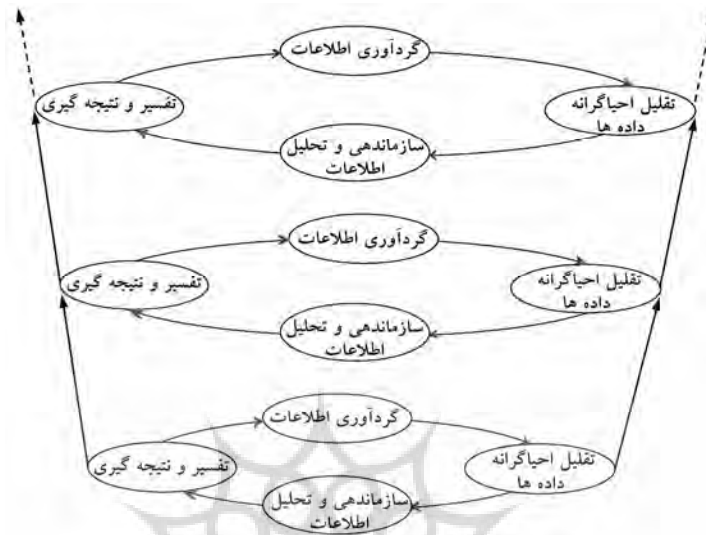
چهارم، فرایند چرخه‌ای تحلیل به عنوان یک روش پژوهش، باید به نتیجه‌گیری بینجامد؛ در غیر این صورت، عملاً ارزش کارکردی در زمینه توسعه دانش (در اینجا، مدیریت اسلامی) نخواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد نتیجه‌گیری به عنوان یک کارکرد مهم در یکی از مراحل این روش لحاظ شود. با توجه به مفهوم، ماهیت و توانایی عملی تفسیر به نظر می‌رسد این کارکرد می‌تواند مبنای نتیجه‌گیری واقع شود؛ در عین حال نتیجه‌گیری می‌تواند خود، محصول تفسیر باشد، با این تفاوت که در «نتیجه‌گیری»، این محصول به طور عملی، دربردارنده یک تصمیم یا دستاورد معین درباره موضوع است. هرچند که این نتیجه در پایان یک چرخه می‌تواند یک نتیجه قطعی (تمام شده) درباره موضوع پژوهش باشد یا فقط یک تصمیم مبنی بر استمرار فرایند پژوهش. با توجه به آنچه گذشت، مرحله آخر فرایند نیز، «تفسیر و نتیجه‌گیری»^۲ نامیده و توسعه داده شده است.

پنجم، این چرخه باید به صورت مستمر و فزاینده (شکل ۲) در نظر گرفته و به آن عمل شود تا بتواند به کشف یا خلق مفاهیم و توسعه معنادار دانش جدید منجر شود. پژوهشگری که از این روش استفاده می‌نماید، باید تلاش کند در حالتی تعاملی، این چرخه را تا رسیدن به مرحله اشباع^۳ مفهوم یا دانش مورد نظر ادامه دهد؛ به گونه‌ای که حاصل پژوهش، یک مفهوم یا مجموعه مفاهیم مشخص، یک اطلاع یا مجموعه اطلاع‌های کلیدی یا اساسی و یا بخشی معنادار، مستقل و تقریباً کامل (در حد خود) از دانش در زمینه مورد نظر باشد.

۱. data analysis and organization

۲. interpretation and conclusion

۳. saturation



شکل ۲ - چرخه فزاینده روش فرایند چرخه‌ای تحلیل

نگارنده در جستجوی اینترنتی، با استفاده از موتورهای جستجوی Google و Yahoo، تا زمان نگارش این مقاله، تنها دو پژوهش انجام شده با استفاده از روش فرایند چرخه‌ای تحلیل در خارج از کشور یافت (راسموسن و یاکل، ۱۹۹۹؛ هلیبرگ، ۲۰۰۶). در داخل کشور نیز، نگارنده از این روش، برای تحلیل داده‌های کیفی پژوهشی درباره‌ی شناسایی پنداره‌ی اساسی کارشناسان برنامه‌ریزی آموزشی در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی (ترک‌زاده، ۱۳۸۳)؛ همچنین در «بررسی تحلیلی تجارب موفق توسعه‌ی سازمانی دانشگاه‌ها» (همو، زیر چاپ) و «مشکل شناسی واکنشی سیستم آموزشی دانشگاه شیراز از نظر اعضای هیئت علمی» (همو، ۱۳۸۷) بهره برده است. در زمان نگارش این مقاله نیز، نگارنده در حال انجام پژوهشی در خصوص شناسایی و تحلیل مسائل دانشجویان دانشگاه شیراز، و پژوهشی با عنوان «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان»، با استفاده از روش فرایند چرخه‌ای تحلیل است.

شرح روش فرایند چرخه‌ای تحلیل به عنوان یک روش پژوهش کیفی

الف. گردآوری اطلاعات

اولین گام‌های یک تحقیق کیفی، در خلال فرایند گردآوری اطلاعات شکل می‌گیرد (سارانتاکوس، ۱۹۹۸، ص ۳۱۵). در این مرحله، اطلاعات مرتبط با موضوع، مسئله یا سؤالات پژوهش گردآوری می‌شوند. گاهی ممکن است موضوع پژوهش هنوز به طور دقیق شکل نگرفته، تنها، چارچوب کلی یا تصور نه چندان روشنی درباره آن وجود داشته باشد یا ممکن است فقط مسئله مبهمی در حوزه یا زمینه موضوعی پژوهش مطرح باشد. در این حالت‌ها، اطلاعات در گستره وسیع‌تری در حوزه پژوهش و در مورد زمینه‌های کلی مرتبط یا مورد نظر گردآوری می‌شوند تا به تدریج، سرنخ‌های موضوع و سپس، حدود دقیق‌تر آن و در پی آن، قلمرو مفهومی و عملیاتی پژوهش، مبتنی بر شناخت یا بینشی که در خلال فرایند گردآوری اطلاعات، برای پژوهشگر حاصل می‌شود، نمایان شوند. البته در مواردی نیز، متناسب با میزان وضوح مسئله پژوهش، توسعه‌یافتگی دانش در زمینه موضوع آن یا وجود سوابق پژوهشی مرتبط، سؤالات و اهداف پژوهشی مشخصی مطرح می‌شوند. در این حالت، قلمرو موضوعی پژوهش و در نتیجه، حدود گردآوری اطلاعات، روشن‌تر و مشخص‌تر خواهد بود و از این رو، جستجو و گردآوری اطلاعات با سهولت بیشتری انجام خواهد شد.

با فرض وجود هر یک از حالت‌های پیش گفته، این مرحله مشتمل است بر:

- شناسایی زمینه‌ها و منابع اطلاعات مرتبط؛

- جستجو و کشف اطلاعات؛

- استخراج و گردآوری اطلاعات؛

- کدگذاری و دسته‌بندی اطلاعات در حال گردآوری.

نکته مهم در این باره آن است که اقدامات گفته‌شده، در یک ترکیب تعاملی انجام می‌شوند؛ به عبارتی، این اقدامات روابط متقابل دارند و هر یک می‌تواند به طریقی، دیگری را در کنار خود داشته باشد، یا هنگام انجام یک یا چند اقدام، زمینه یک یا چند اقدام دیگر فراهم شود یا برای تکمیل گردآوری اطلاعات لازم آید. گردآوری اطلاعات در این روش، فرایند خطی و منفرد نیست، بلکه با توجه به ماهیت کیفی این روش و نوع موضوعاتی که به کمک آن درباره آنها پژوهش می‌شود، پویا، چندجانبه و تعاملی

است. غالباً لازم می‌شود پژوهشگر اطلاعات خود را بازنگری یا ویرایش کند؛ با دیگران در میان بگذارد؛ حک و اصلاح و یا تکمیل نماید تا جایی که احساس کند اطلاعات کافی برای پوشش ابعاد و جوانب مختلف موضوع گردآوری شده‌اند یا اطلاعات گردآوری شده، مواد لازم و کافی برای تحلیل و استنتاجات معنادار درباره موضوع پژوهش را فراهم کرده است.

در روش فرایند چرخه‌ای تحلیل، اطلاعات می‌توانند در سه نوع اکتشافی^۱، تأییدی^۲ یا تکمیلی^۳ گردآوری شوند. در حالت اکتشافی، غالباً اطلاعات در گستره وسیعی گردآوری و هم‌زمان و به طور مستمر، دسته‌بندی و کاویده می‌شوند تا به اکتشاف (تشخیص و شناخت) جوانب مختلف مرتبط با موضوع و چارچوب اولیه روابط آنها منجر شود. در نتیجه این تلاش، مبانی لازم برای ساختن و تکامل تدریجی مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع پژوهش، در این مرحله و مراحل بعد فراهم می‌شوند؛ در حالی که در حالت تأییدی، پژوهشگر چارچوب‌ها و احتمالاً فرضیه‌هایی دارد که راهنمای او در جستجو و گردآوری اطلاعات می‌شوند. به عبارتی، در این حالت، اطلاعات در مسیر و گستره معینی جستجو و گردآوری می‌شوند تا در نهایت محقق بتواند پشتوانه اطلاعاتی لازم و کافی برای تأیید یا ابطال فرضیه‌های مورد نظر به دست آورد. وجود حالتی بینابین اکتشافی و تأییدی نیز ممکن است که آن را حالت تکمیلی می‌نامیم.

در حالت تکمیلی که در بسیاری موارد می‌تواند موضوعیت داشته باشد، حدود، چارچوب و الگوهای ذهنی یا مفهومی اولیه‌ای فراهم هستند؛ بنابراین گردآوری اطلاعات به صورتی تقریباً معین، در آن حدود انجام می‌شود و در عین حال، اطلاعات گردآوری شده و نیز اطلاعات جدید، در حدود موضوع مورد نظر و ابعاد درونی و بیرونی آن، به صورت مستمر دسته‌بندی و کاویده می‌شوند تا با اکتشاف ابعاد و روابط جدید و ساختن تدریجی مفاهیم مرتبط، از سویی، حدود و محتوای موضوع مورد پژوهش روشن‌تر و کامل‌تر شود و از سوی دیگر، به طور هم‌زمان، گردآوری اطلاعات تعیین بیشتری یابد. ادامه کار در حالت ترکیبی می‌تواند زمینه‌ساز تعیین یافتن هرچه

۱. exploratory

۲. confirmatory

۳. complementary

بیشتر پژوهش و شکل‌گیری چارچوب‌ها یا فرضیه‌های معین مرتبط با موضوع شود؛ در نتیجه، امکان استمرار پژوهش در حالت تأییدی و در نهایت، تأیید یا ابطال فرضیه فراهم می‌شود.

همچنین گردآوری اطلاعات می‌تواند به صورت‌های باز^۱ یا جهت‌مند^۲ و در اشکال مطالعه اسنادی، مشاهده، مصاحبه یا پرسش‌نامه‌های باز یا نیمه‌باز انجام پذیرد. منابع گردآوری اطلاعات در کاربرد این روش برای تولید دانش، در حوزه مدیریت اسلامی عبارت‌اند از: نصوص و متون مختلف، افراد (صاحب‌نظران و دیگران) مدیر و غیر مدیر، موقعیت‌های اجتماعی (سازمانی یا غیر سازمانی و رسمی یا غیر رسمی)، رویدادهای تاریخی (گذشته یا معاصر)، روندهای جاری و پیش‌بینی‌پذیر آینده و اقتضائات آنها (در سطوح سازمانی، ملی و بین‌المللی).

در گردآوری اطلاعات کیفی باید تلاش شود متناسب با شرایط، روش‌هایی برای جستجو و گردآوری اطلاعات به کار گرفته شوند که توان کافی را برای کسب اطلاعات غنی، پربعد و در عین حال مرتبط را داشته باشند. ثبت و به اصطلاح، چندگوش‌سازی^۳ اطلاعات نیز ضروری است. برای این کار، لازم است محتوا، منبع، موقعیت، توضیحات تکمیلی، تحلیل و تفسیرهای اولیه‌ای که در محل، درباره موضوع یا اطلاعات مورد نظر صورت می‌گیرند، به روشی منظم ثبت و ضبط شوند.

ب. تقلیل احیاگرانه داده‌ها

این مفهوم به فرایند دستکاری، یکپارچه‌سازی، انتقال و نمایان‌سازی داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده اشاره دارد. تقلیل احیاگرانه داده‌ها به شناسایی ابعاد مختلف موضوع پژوهش یا مسئله مورد نظر کمک می‌کند و به گردآوری اطلاعات در چرخه‌های بعدی فرایند جهت و تمرکز می‌دهد؛ همچنین مبنای تصمیم‌گیری درباره نمونه‌گیری یا کاربست روش‌های جدید برای تکمیل فرایند پژوهش واقع می‌شود و در نهایت آنکه زمینه تبدیل اطلاعات خام و پراکنده را به مبنایی قابل اتکا برای نتیجه‌گیری فراهم می‌سازد.

تقلیل احیاگرانه داده‌ها ممکن است بسته به موضوع و مسئله پژوهش و مطلوبیت‌ها و

۱. Open

۲. Directed

۳. Multilateral

جهت‌گیری‌های تعیین‌شده، با تکیه بر یک یا چند نظریه صریح یا ضمنی انجام شود یا تلاش شود از اتکا به نظریه‌ای خاص، تا حد امکان اجتناب و به اصطلاح اجازه داده شود «داده‌ها خودشان سخن بگویند». در حالت اخیر، تکیه اصلی بر محتوای داده‌ها و اطلاعات موجود (آنچه هست) خواهد بود. با این نگاه حتی ممکن است ابتدا یا اتکا به نظریه خاصی اساساً موضوعیت نیابد؛ با وجود این، به دلیل پربعد و پُربرایند بودن داده‌ها و اطلاعات کیفی، در زمینه‌هایی مانند مدیریت اسلامی، در صورتی که تقلیل احیاگرانه داده‌ها مبتنی بر نظریه یا متأثر از رویکرد خاصی انجام می‌شود، لازم است بیان شود.

سارانتاکوس (همان‌جا)، به طور مجزا، تحلیل، کدگذاری و طبقه‌بندی را برخی راه‌هایی عنوان کرده که برای این منظور (تقلیل داده‌ها) می‌توان از آنها استفاده کرد. به نظر می‌رسد استفاده از مجموعه این راه‌ها، در کنار همدیگر، در قالب روش تحلیل محتوا، در این مرحله و به ویژه در زمینه پژوهش در مدیریت اسلامی می‌تواند بسیار مفید باشد.

تحلیل محتوا، به ویژه در مواقعی که با اطلاعات توصیفی پربعد و غنی از مفهوم (مانند قرآن کریم، خطبه‌های نبی مکرم اسلام و معصومین، و شرح موقعیت‌های واقعی) مواجه هستیم، امکان شناسایی و استخراج دقیق مفاهیم و پیام‌های موجود در متن و موقعیت تولید آنها را فراهم می‌کند. همچنین، در مواردی که مفاهیم و اطلاعاتی در متن یا زمینه‌ای پوشیده باشند، یا با حجم و تعداد بسیاری از اطلاعات توصیفی روبه‌رو باشیم، این روش برای شناسایی و استخراج مفاهیم، پیام‌ها و جهت‌گیری‌های آشکار و نهفته موجود در اطلاعات کارآمد است به طور کلی (باردن، ۱۳۷۴؛ کریپندورف، ۱۳۸۶). موقعیت‌های یادشده اکنون، در زمینه پژوهشی و تولید دانش مدیریت اسلامی وجود دارند؛ بنابراین، به روش گفته‌شده می‌توان با انواع، جزئیات و قابلیت‌های خاص آن توجه قرار کرد.

تقلیل احیاگرانه داده‌ها، در واقع، چرخه‌ای مشتمل بر فعالیت‌های زیر است (همان‌جا):

- مطالعه دقیق مواد و محتوای گردآوری‌شده؛

- شناسایی موضوعات یا جوانب اصلی (مهم و معنادار) فرایند، رفتار، موقعیت یا به

طور کلی، موضوع مطالعه‌شده؛

- طبقه‌بندی مواد و داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از آنها.

در نتیجه این اقدامات، «اطلاعات» جدید و معناداری درباره موضوع و اهداف پژوهش، از مجموعه اطلاعات توصیفی، پیچیده، پربعد و پراکنده‌ای که گردآوری شده‌اند و نیز محتوای آشکار و پنهان آنها به دست می‌آیند. «اطلاعات» به دست آمده (جدید) مواد لازم را برای سازماندهی و تحلیل فراهم می‌کنند.

قاعده کلی تقلیل احیاگرانه داده‌ها، همچنان که از نام آن پیداست، «تقلیل احیاگرانه» است؛ یعنی در عین حال که اطلاعات پربعد و پیچیده گردآوری شده به اجزای ساده‌تری شکسته می‌شوند، باید به آشکارسازی مفاهیم، پیام‌ها، ابعاد و زمینه‌های موجود در آنها منجر شود؛ به علاوه می‌تواند به شناسایی، تولید یا توسعه مفاهیم، ابعاد یا جهت‌گیری‌های جدید بینجامد. طبقه‌بندی «اطلاعات» حاصل نیز می‌تواند به معنا بخشی بیشتر به اطلاعات و نیز اکتشاف، تقویت یا تأیید مفاهیم و ابعاد و زمینه‌های جدید در حوزه یا موضوع مورد مطالعه منجر شود. بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت این مرحله باید به اکتشاف، استخراج یا توسعه و تولید «اطلاعات معنادار» مرتبط با موضوع و هدف پژوهش منتهی شود؛ البته روش‌ها و جزئیات انجام کار می‌توانند از موردی به موردی متفاوت باشند. روش‌ها و جزئیات گفته شده در چارچوب قاعده کلی یاد شده و البته متناسب با هدف مطالعه و مفروضات نظری چارچوب مورد استفاده پژوهش و با ملاحظه مقتضیات پژوهش تعیین خواهند شد. همچنین در مواردی، بسته به موضوع پژوهش، استفاده از برخی اندازه‌گیری‌ها و روش‌های کمی می‌تواند مفید باشد یا موجب شود کار استحکام بیشتر یابد.

ج. سازماندهی و تحلیل اطلاعات

ساراتناکوس (۱۹۹۸، ص ۳۱۶) جمع‌بندی، طبقه‌بندی و ارائه اطلاعات را فرایندهای مرحله سازماندهی ذکر کرده است؛ اما به زعم نگارنده و بر اساس تجربه‌های حاصل از کاربست روش فرایند چرخه‌ای تحلیل می‌توان گفت این مرحله متشکل است از:

- جمع‌بندی اطلاعات حول موضوعات، ابعاد یا نکات معین؛
 - طبقه‌بندی اطلاعات بر حسب مفاهیم یا تحت عبارات معین‌تر؛
 - ارائه اطلاعات به شکل‌های مختلف (متن، جدول، نمودار، شکل، الگو و...)
 - تحلیل اطلاعات و محتوای آنها و روابط موجود یا ممکن بین عوامل.
- ملاحظه می‌شود که سازماندهی اطلاعات، در واقع، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی

اطلاعات و ارائه نتایج به صورت سازمان‌یافته (استنتاج اولیه) است. زمینه این مهم عمدتاً از ترکیب اطلاعات و شناخت حاصل از مراحل پیش (گردآوری اطلاعات و تقلیل احیاگرانه داده‌ها) و بازاندیشی پژوهشگر در زمینه موضوع و درباره اطلاعات به دست آمده و مهارت و توان او در استنتاج از اطلاعات کیفی فراهم می‌شود. بدیهی است توان استنتاج پژوهشگر، به شدت، به توان و مهارت‌های تحلیلی او بستگی دارد؛ از این رو، تحلیل اساساً جزء جدایی‌ناپذیر مرحله سازماندهی است و عملاً، زمینه شناخت بهتر و استنتاج را فراهم می‌کند.

تحلیل نیز می‌تواند در موارد زیر انجام شود:

- چستی (زمینه‌ها، ابعاد، و محتوای کلی) و چرایی اطلاعات؛
- مفهوم و محتوای اطلاعات (مفاهیم، پیام‌ها، جهت‌گیری‌ها و...)
- فراوانی‌ها، موارد ویژه، تأکیدات خاص، عوامل موقعیتی و مانند اینها؛
- روابط موجود یا ممکن بین عوامل از قبیل هم‌زمانی‌ها، تقدیم و تأخیرها، روابط علی یا همبستگی، تضاد یا تناقض و...؛
- روابط ساختاری و کارکردی موجود یا ممکن (آشکار یا نهفته) در اطلاعات؛
- ارزشیابی اطلاعات و نتایج تا آن زمان.

د. تفسیر و نتیجه‌گیری

این مرحله شامل استنباط و استنتاج نتایج مرتبط با ابعاد موضوع، اهداف یا سؤالات پژوهش^۱ و در صورت لزوم، اتخاذ تصمیماتی در خصوص تکرار چرخه فرایند و هر یک از مراحل آن، برای توسعه یا تکمیل نتایج و تولید یا توسعه دانش در زمینه موضوع مورد نظر است. شناسایی و ارائه الگوها و قواعد، کشف روندها و نیز تبیین‌های مرتبط با موضوع یا سؤالات پژوهش (همان‌جا)، کشف اصول، مفهوم‌سازی‌های جدید، ارزشیابی‌ها و تعمیم‌های نظری^۲ جنبه‌هایی از این مرحله هستند. این موارد، از یک سو دیدگاه‌هایی را در زمینه موضوع پژوهش شکل می‌دهند و از سوی دیگر، مبنای راهنمایی برای تکرار فرایند چرخه‌ای تحلیل و استمرار پژوهش تا رسیدن به مرحله

۱. با توجه به حالت‌های گفته‌شده در مبحث گردآوری اطلاعات، ابعاد، اهداف و سؤالات پژوهش می‌توانند در آغاز پژوهش مطرح شوند و یا در خلال پژوهش به صورت تدریجی - تکاملی شکل بگیرند و طرح شوند.

۲. theoretical generalization

اشباع فراهم می‌سازند. استمرار پژوهش می‌تواند به پالایش، تأیید، تثبیت، و آزمون اعتبار یافته‌ها و نتایج پژوهش منجر شود.

موفقیت در تفسیر و نتیجه‌گیری و به تعبیری، ارائه تفسیری درست و کارآمد، مستلزم درک و اشراف پژوهشگر در زمینه روند و محتوای پژوهش و درباره موضوع آن و توانمندی او در انواعی از تفکر^۱ و البته، تجربه و مهارت او در زمینه تلفیق، استنباط، استنتاج و تفسیر است. بدیهی است تفسیر باید مستند و مستدل باشد و چنانچه مبتنی بر یک چارچوب مفهومی یا نظریه‌ای خاص یا از رویکردی معین مطرح می‌شود، باید گفته شود. به علاوه مطلوب است تفسیر به نتیجه‌گیری بینجامد؛ هرچند این نتیجه‌گیری می‌تواند ضرورتاً متضمن یک نتیجه قطعی نباشد. نتیجه‌گیری در یک چرخه از فرایند حتی می‌تواند صرفاً دال بر استمرار پژوهش باشد؛ اما صرف حصول به چنین نتیجه‌ای ارزشمند است؛ از آن حیث که می‌تواند ضرورت، جهت و مسیر استمرار پژوهش را روشن کند.

در اینجا اشاره به این نکته مفید است که تجربه‌هایی که افراد به دست می‌آورند، به «تجربه، معرفت، انتظارات و وضعیت عمومی درونی» (چالمرز، ۱۳۷۹، ص ۳۸) و نیز نظام فکری و نظری، و همچنین موقعیت محیطی آنها بستگی دارند. بر این اساس، فهم^۲ همیشه نسبی، موقتی و در حال تکامل خواهد بود (همان، ص ۳۹)؛ اما در هر مرحله، توضیحی^۳ (شناختی) درباره موضوع خود ارائه می‌دهد که در حد خود روشنگر است (کوی، ۱۳۸۷). این فهم و توضیح نسبی، در نتیجه استمرار یا تکرار و توسعه پژوهش، توسعه خواهد یافت. با وجود این، اگر با دیدی کاربردی نگریم، می‌توان گفت چنین فهمی و توضیح مبتنی بر آن، در هر زمان و در هر درجه‌ای از توسعه‌یافتگی که باشد، می‌تواند آغازی برای یک پژوهش یا استمرار آن، یا حتی مبنایی برای تصمیم‌گیری و اقدام در گاه عمل قرار گیرد؛ از این رو می‌توان گفت بودنش بهتر از نبود آن است.

۱. انواع تفکر: تحلیلی، انعکاسی، تصویرسازانه، دیداری، خلاق، انتقادی، همدلانه، اخلاقی، عمل‌گرایانه، سیاسی (واتون و هورن، ۲۰۰۱)، سیستمی، مفهومی و شهودی. درجه اهمیت و اولویت هر یک از انواع تفکر، در مراحل مختلف روش مورد بحث و بسته به ویژگی‌ها و اقتضات موضوع پژوهش و موقعیت زمینه‌ای آن متفاوت خواهد بود. ان‌شاء الله نگارنده، در مقاله دیگری که در زمینه «روش‌ها و فنون قابل استفاده و برخی الزامات اجرای روش فرایند چرخه‌ای تحلیل» در دست تهیه دارد، به طور مشروح‌تر به این مهم می‌پردازد.

۲. understanding

۳. Explanation

ضمن آنکه هر پژوهشی که بخواهد با هر یک از روش‌های مرسوم، به ویژه در حوزه علوم انسانی به انجام برسد، نتایج حاصل از آن به نوعی، متضمن و متأثر از این ویژگی (نسبی و موقتی بودن) خواهد بود.

گزارشی مختصر از کاربرد روش فرایند چرخه‌ای تحلیل در عمل

در یکی از جلسات کارشناسی، با حضور برخی مدیران ارشد و میانی دانشگاه مطرح شد که گویی، اعضای هیئت علمی نقد و نظراتی درباره سیستم آموزشی دانشگاه دارند و سؤال شد که به نظر آنان، چه مسائل یا مشکلاتی در مورد سیستم آموزشی دانشگاه وجود دارند؟ همین مسئله کلی سرآغاز پژوهش شد. با استفاده از یک پرسش‌نامه باز، از جمع حدود دویست نفری اعضای هیئت علمی خواسته شد «پنج مسئله یا مشکل اساسی سیستم آموزشی دانشگاه» را بیان کنند. از این تعداد، ۸۲ پرسش‌نامه قابل استفاده بازگردانده شدند. پاسخ‌ها در طیفی، از ذکر دقیق موارد، تا پاسخ‌های طولانی، چندبُعدی و درهم‌تنیده، نامه‌های گلایه‌آمیز و بعضاً با ذکر شعر و مثال و کنایه نگاشته شده بودند. اطلاعات موجود در پاسخ‌ها، بدون هیچ چارچوب یا قالب تعیین‌شده‌ای و فقط به صورت «واحد‌های مفهومی معنادار»^۱ با رویکرد اکتشافی استخراج و به تدریج، کدگذاری و دسته‌بندی^۲ شدند. کدگذاری و دسته‌بندی اطلاعات صرفاً، با تکیه بر محتوای واحد‌های مفهومی معنادار استخراج‌شده صورت گرفت و با پیشرفت کار، چند بار ویرایش شد. در نتیجه، از جمع‌بندی حدود ۳۵۰ گزاره استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها، ۳۳ زمینه (ساقه) مشکل‌زا در سیستم آموزشی دانشگاه شمارش و استخراج شدند و هم‌زمان، فراوانی و درصد ارجاع هر ساقه، در کل نمونه و سهم درصدی هر یک، در کل ساقه‌ها مشخص شد.

در مرحله بعد، به تقلیل احیاگرانه داده‌ها پرداخته شد. در این مرحله، اطلاعات حاصل از مرحله قبل تحلیل، کدگذاری و طبقه‌بندی^۳ شدند. در این جریان، گاهی مراجعه به اصل برخی پرسش‌نامه‌ها یا واحد‌های مفهومی اولیه استخراج‌شده، برای

۱. هر واحد مفهومی (اعم از کلمه، عبارت، جمله، متن، شکل و...) که معنای نسبتاً مستقلی، در زمینه موضوع منتقل کند.

۲. classification

۳. Categorization

تصریح یا تصحیح اطلاعات ضرورت یافت. در نتیجه این مرحله، با طبقه‌بندی ساقه‌های مشکل‌زا، دوازده مشکل موجود در سیستم آموزشی دانشگاه شناسایی شدند. ابعاد و اجزای درونی (محتوای) هر مشکل نیز آشکار شدند. این مشکلات عبارت بودند از: کاستی‌های سازمان و مدیریت دانشگاه، کمبود فضا و امکانات آموزشی، فقدان تقارن مناسب آموزش و پژوهش، کاستی‌های مدیریت حوزه آموزش، معضلات قوانین و مقررات دانشگاه، پذیرش نامتناسب دانشجوی، کاستی‌های موجود در رفتار و روابط حرفه‌ای استادان، مشکلات دانشجویان، پایین بودن کارایی برنامه درسی، مسائل معیشت و کرامت استادان، موانع ارتقای مرتبه استادان، دوری برخی دانشکده‌ها از پردیس اصلی دانشگاه.

اطلاعات به دست آمده از تقلیل احیاگرانه داده‌ها، مواد لازم را برای مرحله سازماندهی و تحلیل فراهم کردند. در این مرحله، اطلاعات در قالب جدول‌هایی مشتمل بر عنوان حوزه مشکل، ساقه‌های (ابعاد و محتوای) تشکیل‌دهنده هر مشکل، آماره‌های مربوط به پوشش سطحی مشکلات و ساقه‌های مربوط و... تنظیم و ارائه شدند. این گونه سازماندهی، امکان فرابری سطح پردازش آماری اطلاعات را از طریق محاسبه و تحلیل برخی آماره‌ها، از قبیل سهم هر حوزه مشکل در کل مشکلات، سهم هر ساقه در حوزه مشکل، و آزمون نیکویی برازش فراهم کرد. به علاوه، تحلیل کیفی اطلاعات و محتوای آنها و روابط ممکن بین عوامل میسر شد. افزون بر آن، در این مرحله، با طبقه‌بندی اطلاعات، بر حسب ابعاد و مفاهیم جدید، مشکلات شناسایی شده، در پنج حوزه موضوعی کلی دسته‌بندی و سهم نسبی هر حوزه مشخص، و امکان برخی تحلیل‌های آماری و کیفی جدید فراهم شد. حوزه‌های موضوعی کلی مشکلات سیستم آموزشی دانشگاه عبارت بودند از: مدیریت، فضا و امکانات آموزشی، جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های اختصاصی آموزش، استادان، و دانشجویان. جزئیات محتوایی هر کدام، به صورت لایه‌لایه، از کل به جزء مشخص و حتی تا شماره پرسش‌نامه‌ها قابل ردیابی بودند. با مشخص شدن حوزه‌های موضوعی کلی مشکلات سیستم آموزشی دانشگاه از نظر اعضای هیئت علمی، امکان مقابله آنها با یافته‌های یک پژوهش دیگر که با روشی متفاوت، با همکاری جمعی از مدیران ارشد و میانی دانشگاه که به مشکل‌شناسی سیستم آموزشی دانشگاه پرداخته بودند، فراهم شد. جالب است که همبستگی معناداری میان اهمیت و اولویت مشکلات سیستم آموزشی دانشگاه، از نظر اعضای هیئت علمی و مدیران این سیستم مشاهده نشد.

در نهایت، اطلاعات حاصل تا این مرحله، در جلساتی، با حضور نگارنده و برخی مدیران ارشد و میانی دانشگاه، با توجه به مقتضیات درونی و محیطی دانشگاه بررسی و تفسیر شدند. نتیجه این تلاش، شناسایی و تدوین مجموعه راهکارهایی عملی (با جزئیات خاص مربوط) برای رفع یا دفع هر یک از مشکلات سیستم آموزشی دانشگاه به طور مشخص بود. جالب است که چنین نتیجه‌ای، در طی مراحل پژوهش مد نظر نبود و به صورت نوپدید^۱ مطرح و تولید شد؛ با وجود این، با توجه به وسعت و ارزش کارکردی آن، در دفتری جداگانه تدوین و تنظیم شد^۲ و اجرای آن در دستور کار قرار گرفت.

گزارش ارائه شده، نمونه‌ای مختصر از کاربرد روش فرایند چرخه‌ای تحلیل و شیوه کلی عمل در هر یک از مراحل آن (با توجه به موضوع پژوهش مربوط) است. این نمونه، با توجه به موضوع خود، نشان‌دهنده آغاز فرایند پژوهش با یک مسئله کلی، گردآوری و پردازش داده‌های پراکنده و به تدریج، کشف ابعاد موضوع و ساخته شدن مفاهیم مربوط، و هم‌زمان، ارتقای سطح تحلیل‌های کمی و کیفی مرتبط است. در نهایت می‌تواند مبین بخشی از قابلیت‌های بالای اجرایی و کاربردی روش پژوهش کیفی فرایند چرخه‌ای تحلیل در حوزه‌های پژوهش و عمل^۳ باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، ملاحظه می‌شود که روش فرایند چرخه‌ای تحلیل، به عنوان یک روش پژوهش کیفی، کفایت و قابلیت لازم را برای پیشبرد یک یا سلسله‌ای از پژوهش‌های کیفی در حوزه مدیریت اسلامی دارد. حسن مهم این روش آن است که از مرحله گردآوری اطلاعات تا تحلیل و سپس استنتاج و تفسیر نتایج و حتی استمرار پژوهش تا حصول نتیجه مطلوب (تولید یا توسعه و حتی شاید بتوان گفت زمینه‌سازی برای کاربرد دانش مدیریت اسلامی) را پوشش می‌دهد و از این حیث، روشی کامل و خودکفاست.

مزیت دیگر این روش آن است که امکان تبدیل داده‌ها و اطلاعات را از یک حالت

۱. emergent

۲. در زمان نگارش این گزارش، مستندات مربوط، در معاونت آموزشی دانشگاه شیراز (مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه آموزشی) موجودند.

۳. practice

خام، به صورتی پردازش شده فراهم می‌سازد. در این حالت، داده‌ها و اطلاعات می‌توانند به طور سازنده‌ای استفاده شوند. این روش امکان پردازش حجم زیاد و پراکنده‌ای از داده‌های کیفی پربعد و پُربرایند را نیز فراهم می‌کند. این ویژگی می‌تواند مزیت مهمی در زمینه پژوهش و تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی (با توجه به ویژگی‌های زمینه تولید دانش در آن حوزه) باشد.

مزیت دیگر روش فرایند چرخه‌ای تحلیل این است که در کل فرایند و هر یک از مراحل آن، رویکرد تعاملی و تکاملی دارد؛ در نتیجه این ویژگی، دو قابلیت مهم پدیدار می‌شوند: نخست آنکه امکان حرکت رفت و برگشتی، در مراحل مختلف پژوهش و تکمیل مستمر داده‌ها و اطلاعات، سازماندهی و تحلیل و نتایج و تفسیرهای مربوط وجود دارد. در توضیح این نکته می‌توان گفت از یک سو، چون در اجرای روش مورد بحث، پردازش هر مرحله بر اساس خروجی مراحل پیشین انجام می‌شود، امکان آشکار شدن کاستی‌های مراحل پیش و خروجی‌های آنها وجود دارد. در این صورت می‌توان به مراحل پیشین برگشت و کاستی‌های موجود را بر اساس شناخت در مراحل بعدی -که سطح پردازشی و شناختی بالاتری دارند- است به دست آمده رفع کرد. این کار (تکمیل) می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و کمال سطح پردازش و شناخت حاصل در مراحل بعدی روش فرایند چرخه‌ای تحلیل شود. از سوی دیگر، شناخت‌های سطح بالاتر و کامل‌تری که پژوهشگر، به تدریج و در روند پژوهش به دست می‌آورد، می‌تواند موجب شوند افق‌های جدید گشوده و ابعاد یا نکات یا حوزه‌های بررسی جدیدی در قلمرو پژوهش گشوده و مطرح شوند که رفت و برگشت به مراحل مختلف روش فرایند چرخه‌ای تحلیل را ایجاب می‌کند.

قابلیت دوم آن است که پایان هر چرخه از فرایند مورد بحث، در واقع، زمینه آغاز یک چرخه دیگر را فراهم می‌سازد؛ به عبارتی، چرخه‌های فرایند چرخه‌ای تحلیل، حالت زایشی دارند و با اتمام هر چرخه، جهت و مسیر حرکت بعدی، در مسیر کلی حل مسئله یا تولید دانش مشخص و به این سان، زمینه استمرار پژوهش و تکامل دانش در حوزه مدیریت اسلامی فراهم می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت روش فرایند چرخه‌ای تحلیل، توانایی ویژه‌ای برای کشف و استخراج مفاهیم، جهت‌گیری‌ها، قواعد و الگوهای پنهان و نیز مفهوم‌سازی و مدل‌سازی در حوزه مدیریت اسلامی یا هر حوزه مشابهی که در آن به کار گرفته شود، دارد.

منابع

- باردن، لورنس (۱۳۷۴). *تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.*
- ترکزاده، جعفر (۱۳۸۳). «شناسایی پنداره اساسی کارشناسان برنامه‌ریزی آموزشی در آموزش و پرورش، آموزش عالی (دولتی و آزاد) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در زمینه برنامه ریزی آموزشی»، *مجموعه مقالات میزگرد بررسی ارتقای کیفیت آموزش های دانشگاهی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.*
- _____ (۱۳۸۷). *مشکل شناسی واکنشی سیستم آموزشی دانشگاه شیراز از نظر اعضای هیئت علمی، گزارش پژوهش، شیراز، معاونت آموزشی دانشگاه شیراز.*
- _____ و زهرا صباغیان، و محمد یمنی دوزی سرخابی. «بررسی تحلیلی تجارب موفق توسعه سازمانی دانشگاه‌ها»، *مجله آموزش عالی ایران، زیر چاپ.*
- جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۵). *مستندسازی تجربیات مدیران از دیدگاه مدیریت دانش، چ ۲، تهران، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.*
- چالمرز، آلن اف (۱۳۷۹). *چیستی علم: درآمادی بر مکاتب علم شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، چ ۲، تهران، انتشارات سمت.*
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۶). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، چ ۳، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.*
- کوی، لوتان (۱۳۸۷). *آموزش و پرورش: فرهنگ‌ها و جوامع، ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.*

Bergeron, Brayan (۲۰۰۳). *Essential of Knowledge Management*, New Jersey, John Wiley & Sons, Inc.

Helberg, Elvera & etal (۲۰۰۶). "What Is It Like To Live With Epilepsy", Offered in:

- ۴th International Conference on Pharmaceutical and Pharmacological Science,
Johannesburg, South Africa, University of Witwatersrand.
- Rasmussen, Chris & Erna Yackel (۱۹۹۹). Study of One Differential Equations
Classroom Community, <http://www.Mathedu.Cinvestav.mx/e-librocydoc/pme-procee.pdf>.
- Sarantakos, Sotirios (۱۹۹۸). *Social Research*, ۲nd Ed, Hampshire & London, Mac
Millan Press Ltd.
- Wootton, Simon & Terry Horne (۲۰۰۱). *Strategic Thinking: A Step by Step
Approach to Strategy*, ۲nd Ed, London, Kogan Page Ltd.

